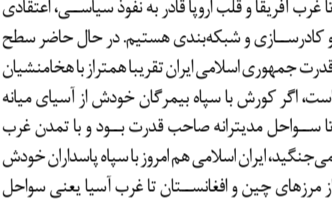




جمهوری اسلامی به عنوان یک الگوی سیاسی مبتنی بر احکام الهی در طول ۴ دهه حیات خودش، مراحل ملت‌سازی و دولت‌سازی را به شکل شایسته‌ای طی کرد و امروز گام در هدفی بزرگ‌تر یعنی تمدن‌سازی نهاده است. ترکیب ۲ گفتمان ایرانی و اسلامی، حوزه نفوذ قدرت نرم و سخت کشور ما را بسیار گسترده کرده‌است به شکلی که با گفتمان ایرانی و برگراری آیین و جشن‌های کهن مثل نوروز در بین کشورهای فارسی‌زبان تا آسیای میانه و همین‌طور با گفتمان اسلامی مبتنی بر وحدت، از آسیای شرقی گرفته تا غرب آفریقا و قلب اروپا قادر به نفوذ سیاسی، اعتقادی و کادرسازی و شبکه‌بندی هستیم. در حال حاضر سطح قدرت جمهوری اسلامی ایران تقریباً همتراز با هخامنشیان است، اگر کورش با سپاه بیمرگان خودش از آسیای میانه تا سواحل مدیترانه صاحب قدرت بود و با تمدن غرب می‌جنگید، ایران اسلامی هم امروز با سپاه پاسداران خودش از مرزهای چین و افغانستان تا غرب آسیا یعنی سواحل



مدیترانه و کشورهای سوریه و لبنان همین‌طور از جنوب مرزهای ایران تا شاخ آفریقا قدرت‌آفرین بوده و می‌توانیم

مدیترانه و کشورهای سوریه و لبنان همین‌طور از جنوب مرزهای ایران تا شاخ آفریقا قدرت‌آفرین بوده و می‌توانیم

بر آیند ۴ حوزه تقابلی ایران و اسرائیل

ندارند، لذا این رژیم تلاش می‌کند دیگران را علیه ایران بسیج کند. در این حوزه رژیم صهیونیستی فعال است اما ایران به دلیل شرایط بین‌المللی و حجم تحریم‌های اقتصادی، سیاست بازدارندگی را دنبال می‌کند. سیاست اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولیدات داخلی در همین چارچوب از سوی نظام مطرح شده است. سیاستی که اجرای درست آن می‌تواند موجب تقویت جایگاه ایران و شکست تلاش‌های صهیونیست‌ها شود.

- حوزه‌بین‌المللی**

در عرصه بین‌المللی تا پیش از امضای توافق هسته‌ای، دست اسرائیل برای پیشبرد سیاست‌های ضدایرانی باز بوده و ایران محدود شده بود اما با توافق هسته‌ای این محدودیت تا حد زیادی برداشته شده است. هر چند انتظاری که از توافق هسته‌ای بویژه در ابعاد اقتصادی وجود داشت، محقق نشد. به همین دلیل است که آنکلا مر کل، صدراعظم آلمان و امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه به آمریکا می‌روند و تلاش می‌کنند تا آمریکا به این توافق پایبند باشد؛ موضوعی که مطلوب اسرائیل نیست. نتانیاهو با توجه به نفوذ لابی‌های صهیونیستی در آمریکا و شخص جرارد کوشنر، داماد دونالد ترامپ که اساسا یک اسرائیلی است، با فشار به ترامپ تلاش دارد ایران را به محدودیت و انزوا سابق بزراند اما تحولات بین‌المللی نشان می‌دهد این انزوا شکسته شده است



و امکان بازگشت آن نیز اساسا متصور نیست. در حال حاضر روسیه، چین و اتحادیه اروپایی تا حد زیادی در کنار ایران فعال شده‌اند. البته رژیم صهیونیستی هم در عرصه بین‌الملل بشدت فعال است تا ایران دوباره منزوی شود. نمایش‌های تکراری نتانیاهو در سازمان ملل و کنگره آمریکا و اخیرا هم شوی اسناد هسته‌ای ایران و مطرح کردن برد موشک‌های ایران در همین چارچوب ارزیابی می‌شود. برایند این ۴ حوزه تقابلی نشان می‌دهد ایران در تقابل با اسرائیل دست برتر را دارد و این رژیم توان درگیری با جمهوری اسلامی ایران را ندارد اما تلاش دارد دیگران را به عرصه درگیری با ایران بکشاند و هزینه این درگیری را خود پرداخت نکند. تحلیلگران حمله به پایگاه A14 سوریه که به شهادت چند نفر از نیروهای ایرانی منجر شد را در همین راستا تعریف می‌کنند اما ایران نشان داد در این حوزه نیز از هوشمندی بالاتری برخوردار است و با توجه به شرایط و تحولات میدانی در سوریه و عراق و لبنان، پاسخ به این حمله را به دولت سوریه و البته در زمان مقتضی واگذار کرد با این تاکید که اسرائیل پاسخ این اقدام خود را حتما به سختی دریافت خواهد و در آن تردیدی نداشته باشد.

®رئیس کمیسیون سیاسی و بین‌الملل جمعیت دفاع از ملت‌فلسطین

درباره تهدیدات موجود علیه ما و استراتژی برتری

جبهه‌های گشوده پیش‌روی ایران

- محمدحسن سنگ‌تراش***

می‌کند که شاید مانند برجام بین ایران و آمریکا عمر کوتاهی داشته باشد. تمدن غرب، تمدنی فراتر از مرکز خودش بوده و از یونان و روم حیات خودش را شروع کرده و به پرتغال و اسپانیا و انگلیس و در نهایت به آن سسوی اقیانوس‌ها و آمریکا رسیده‌است. این تمدن برای بقای فعلی خودش، اجازه ساخت یک تمدن اسلامی را نخواهد داد و با ایران‌هراسی و ساخت پیمان دفاعی مشترک در شبه‌جزیره عربستان بین اعراب منطقه در کنار ناتوی غربی سعی دارد مانع رشد تنها کشور تمدن‌ساز اسلامی یعنی ایران شود تا هم بتواند از پول و سرمایه جهان عرب استفاده ببرد و هم انرژی منطقه را به سمت اروپا هدایت کند. اگر به کتاب خاطرات «هیلاری کلینتون» رجوع کنیم، به‌ساخت‌داش توسط آمریکا اشاره شده است، داغش‌سازی در کنار تخریب وجهه اسلام و اسلام‌هراسی در غرب، یک هدف دیگری هم داشت و آن انتقال انرژی آسیا به اروپا توسط تمدن غرب بود تا در بعد اقتصادی نیاز تمدن غرب(روپا) به تمدن از تدکس(روسیه) کمتر شود و اسرائیل نگاهبان تأمین انرژی اروپا باشد، البته این پروژه با نابودی داغش توسط ایران و متحدانش و ترسیم خطوط لوله جدید انتقال انرژی در نطفه خفه شد و عملا ماهیت وجود اسرائیل برای غرب در نظم بعدی جهان به خطر افتاد. ایران در جغرافیای سیاسی به جهت حضور در هارتلند و ریملند همین‌طور حضور در قلب جهان اسلام و قدرت‌آفرینی در تلوئند، پتانسیل لازم برای مطرح شدن به عنوان یکی از قطب‌های قدرت در جهان چندقطبی بعدی را خواهد داشت.



عضویت دائم ایران در پیمان امنیتیی- اقتصادی شانگهای می‌تواند از هزینه‌های اقتصادی و دفاعی کم کرده و بر قدرت ما بیفزاید. به عنوان مثال طرح آینده ارتش آسیایی، می‌تواند حضور کشور ما در آسیا و جهان

را پررنگ‌تر کند. در صورت تشکیل ارتش آسیایی به غیر از توسعه سواحل مکران و بندر اقیانوسی چلپهار، جزیره قشم در جنوب ایران و بندر انزلی در شما ایران می‌توانند قطب‌های اقتصادی غرب آسیا بشوند و پایگاه‌های هوایی همدان و مشهد هم اهمیت استراتژیک پیدا خواهند کرد. در زمان جنگ با داغش استفاده چندین باره از پایگاه شهید نوزه همان توسط روسیه و ایران برای پشتیبانی و طراحی حملات به پایگاه‌های تروریست‌ها اهمیت خود را نشان داد. در صورت انتقال داغش به افغانستان هم پایگاه هوایی مشهد چنین نقشی خواهد داشت. تمدن غرب با هدف هزینه‌سازی برای ۳ تمدن کنفسیوس، ارتدکس و اسلام و در نهایت تجزیه آسیا و نابودسازی این تمدن‌ها قصد دارد داغش را به افغانستان منتقل کند. برخی تنش‌ها در منطقه کشمیر و حضور مجدد طالبان و داغش و… سر آغاز همین اتفاق است. گام بعدی هم تأثیر بر استان سین‌کیانگ چین و اویغورها می‌تواند باشد، بویژه که رقیب منطقه‌ای و درون تمدنی ما یعنی ترکیه بشدت از اویغورها حمایت می‌کند و به دنبال بازسازی امپراتوری عثمانی و گسترش آن در شرق با کمک اویغورهاست. توجه داشته باشید افغانستان در قرن نوزدهم باعث شکست انگلستان و در قرن بیستم باعث تجزیه شوروی و در قرن بیست‌ویکم باعث فرار بخشی از ارتش آمریکا تا منطقه شد. تجربیات جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باعث شکست مجدد جبهه غربی بشود و در بعد تمدن‌سازی با استراتژی تعامل می‌توانیم در استان سین‌کیانگ چین، حیدرآباد هند، کشمیر(هند و پاکستان) و منطقه قفقاز شمالی در روسیه قدرت نرم خودمان را گسترش داده و حتی بازار اقتصادی مناسبی برای محصولات تولید خودمان ایجاد کنیم، کم‌اینکه چنین تهدیداتی که از سوریه و یمن بعد از جنگ و کشور عمان همین‌طور کشورهای قاره آفریقا وجود دارد. در پایان همانگونه که اشاره کردم جمهوری اسلامی ایران در ۳ جنگ تمدنی، درون تمدنی و هیبریدی به سر می‌برد که آگاسازی مردم و استراتژی تعامل در کنار مقاومت راهکار پیروزی در این گزاد سیاسی آیندساز خواهد بود.

***پژوهشگر آزاد و تحلیلگر حوزه دفاعی و استراتژی کلان**

معامله قرن؛ از فلسطین تا سوریه و در نهایت ایران

دهند. نیروهایی که تحت امر آنها و فرانسوی‌ها در سوریه فعالیت خواهند کرد، لذا آنچه از آن به عنوان «معامله قرن» یاد می‌شود تنها مسأله فلسطین را در برنمی‌گیرد، بلکه سوریه را نیز شامل می‌شود.

- توانایی بازدارندگی سوریه**

البته حمایت‌های روسیه از دولت دمشق نقش بازدارنده مؤثری را در برابر تهدیداتی که از سوی اسرائیل متوجه سوریه است، ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد مقامات روس تصمیم خود را درباره تجزیه دولت سوریه به سامانه دفاع موشکی «س ۳۰۰» گرفته‌اند و این بدان معناست که تداوم تجاوزگری‌های رژیم صهیونیستی در سوریه می‌تواند ضربات هولناکی را به نیروی هوایی این رژیم وارد آورد. از سوی دیگر، روند تحولات میدانی در سوریه نشانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران نیز بخواهی قادر خواهد بود از اینگونه تهدیدات در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی محافظت کند. تداوم این تجاوزگری‌ها موجب خواهد شد ایران در صورت لزوم، عمق استراتژیک اسرائیل را هدف قرار دهد.

- ایران؛ ضلعی از سه‌گانه مورد هجوم آمریکا**

بخشی از معامله قرن نیز شامل فشارهای گسترده عبری/عربی/غربی به رهبری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. این فشارها بر لغو توافق هسته‌ای ایران تمرکز دارد. به نظر می‌رسد ترامپ پس از اطلاع یافتن از اینکه ایران با اجرای هیچ تغییری در مفاد برجام موافقت نمی‌کند، بر گزینه لغو توافق هسته‌ای بیش از هر گزینه دیگری سرمایه‌گذاری کرد. ترامپ پس از لغو توافق هسته‌ای با ایران ۲ راه بیشتر در مقابل خود ندارد؛ با تحریم‌های گسترده و شدیدی را علیه تهران وضع کرده و به اروپایی‌ها برای همراهی با واشنگتن در این زمینه فشار آورد یا اینکه با تشکیل ائتلافی متشکل از کشورهای غربی/عربی عملیات نظامی مستقیم علیه تهران ترتیب دهد. قدر مسلم آنکه ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل هیچ اقدام نظامی مستقیمی را علیه ایران صورت نخواهند داد. بدون هیچ شک و تردیدی، عقل و منطق، آمریکایی‌ها را از اتخاذ چنین تصمیم جنون‌آمیزی با این سطح از پیامدها و تبعات ویرانگر، بازمی‌دارد. قدرت بازدارنده جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از خود در برابر تهدیدات نظامی به حدی رسیده است که می‌تواند قدرت‌های تجاوزگر را از کار خود پشیمان کند. بنابراین آمریکایی‌ها و متحدان غربی آنها و همچنین رژیم صهیونیستی بدون سنجش تمام جهات و ارزیابی تمام زوایای هرگونه اقدام انحراری، تصمیمی علیه تهران اتخاذ نخواهند کرد؛ این یک واقعیت غیرقابل انکار محسوب می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، اینگونه است که «معامله قرن» از فلسطین آغاز شده، از سوریه عبور می‌کند و در نهایت به ایران منتهی می‌شود. در واقع هدف اصلی و اساسی معامله قرن، ضربه زدن به مثلث مهم مقاومت است که یک ضلع آن در سوریه، ضلع دیگر در فلسطین و مهم‌ترین ضلع آن نیز در ایران قرار دارد.

*** نویسنده و تحلیلگر جهان عرب**
منبع: پایگاه‌لبنانی «البنا»
ترجمه: اکرم آزادی مهرگانی /فارس



درنگ

۲بال برای پرواز—۱۴

فرهاد ملامینسی: در این گفتار به یکی از مباحث مناقشه‌برانگیز در مسأله توحید پرداخته خواهد شد. این بعد از آن روح‌سلس مناقشه‌برانگیز است که قرآن کریم اصل وجود خداوند متعال را برای مردم امری فطری می‌داند و برای اثبات آن پافشاری زیادی ندارد، هرچند از کنار آن نیز بی‌تفاوت و بدون توجه نمی‌گذرد ولیکن هم و غم خود را نیز برای اثبات آن نمی‌گذارد؛ مثلا می‌فرماید: «اگر کسی از خلق کرده، قطعاً خواهند گفت خدا»^(۱) پس قرآن کریم امر پذیرش خداوند متعال را مطلبی قطعی می‌داند ولسی آنچه را که برای اثبات آن می‌کوشد نفی شرک عبادی است؛ مثلا می‌فرماید: «آگاه باشید اینک پاک از آن خداست و کسانیی به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند؛ به این بهانه که ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند نمی‌پرستیم، البته خدا میان آنان درباره آنچه بر سر آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد، در حقیقت خدا آن کسی را که دروغ‌پرداز ناسیاس است، هدایت نمی‌کند»^(۲) پس مسأله این است که عده‌ای برای خداوند شریکاتی قرار می‌دهند تا توسط ایشان به خداوند نزدیک بشوند، این درحالی است که ایشان هیچ نفع و ضرری برای مشرکان ندارند: «و به جای او خدایانی برای خود گرفتارند که چیزی را خلق نمی‌کنند و خود خلاق شده‌اند و برای خود نه زبانی را در اختیار دارند و نه سودی را و نه مرگی را در اختیار دارند و نه حیاتی و نه رستخیزی را»^(۳) همین آیات برای فرقه استعمار ساخته وهابیت دستاویزی شده است تا سایر مذاهب اسلامی را به شرک متهم کنند؛ مثلا بن‌باز، مفتی وهابی می‌گوید: «آنچه در کنار قبور انجام می‌گیرد، قابل توجه است، از جمله صدا زدن صاحب قبر، استغاثه به آنان، طلب شفای مریض، طلب نصرت بر اعدا و امثال اینها، همه از انواع شرک اکبر است که اهل جاهلیت به آن عمل می‌کردند»^(۴) این در حالی است که اساس دعوت پیامبران بر توحید استوار است: «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [فریگیر] بپرهیزید»^(۵) چه در ذات، چه در فعل و چه در صفات و چه در عبادت، حال اگر عده‌ای که خود را تافته جدا یافته در جامعه اسلامی می‌دانند و به جای جدال احسن رو به تکفیر دیگران می‌آورند –که حاصل آن نیز چیزی جز بیاناتی مانند داغش نخواهد بود– مساله‌ای دیگر است ولی عبادت معنایی دارد که تمام مراتب تواضع و خشوع را شامل نمی‌شود یعنی به صرف اینکه کسی در مقابل دیگری کرنش کرد و از باب فروتنی با دیگری مواجه شد نمی‌توان وی را مشرک دانست، زیرا بنا به فرموده قرآن کریم مومنانی که خداوند ایشان را دوست دارد و آنها نیز خداوند را دوست دارند اینگونه‌اند که: «بی کسانیی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد برودی خدا گروهی ادبگیرا را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان اینز او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرافرازند»^(۶) یعنی اگر تمام خضوع‌ها را دال بر شرک بدانیم حتما بسیاری از موجودات عالم مشرک و بسیاری دیگر امرکننده به شرک خواهند بود، از آن جمله خداوند متعال که فرشتگان را امر به سجده برای آدم فرمود «و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس که از بلز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] با سجده افتادند»^(۷) غافل از اینکه عمل خارجی قلموس خداوندی جادارد؛ مرحوم کاشف‌الغطا می‌فرماید: «شکی نیست در اینکه مقصود از عبادتی که نباید برای غیر خدا انجام گیرد و هر کس برای غیر خدا انجام دهد کافر می‌شود، مطلق خضوع و انقیاد نیست– چنان که از ظاهر کلام اهل لغت به دست می‌آید– زیرا اگر چنین معنایی صحیح باشد باید تمام بنده‌ها که در برابر مولای‌شان خضوع می‌کنند و اجیرانی که در کار اجیر می‌شوند و مجبورند اطاعت آنان کنند و همچنین تمام خدمه سلاطین بلکه تمام انبیا به جهت خضوع نسبت به پدران‌شان، کافر شوند»^(۸)

- سوره زمر آیه ۲۸
- سوره زمر آیه ۳
- سوره فرقان آیه ۳
- مجموع فتاوی بن باز ج۳ ص۵۵۲
- سوره نحل آیه ۳۶
- سوره مائده آیه ۵۴
- سوره بقره آیه ۳۴
- منهج‌الرشاد ص ۲۴